

# (من ألواح أبو الفضائل) حمد و ثنا

## متغمسين

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



﴿هو العزيز﴾

لم يزل نفحات قدس از رضوان عنایت الهی در وزیدن بوده و لا یزال بروایح عزّ معنوی از یمین عرش ربّانی در هبوب خواهد بود \* سحاب جود و کرم آنی از ابلاغ فیوضات منیعه ساکن نگشت \* و غمام فضل و رحمت آنی از انزال امطار فیض نیاسود \* بحمد الله شمس عنایت مشرق است و بدر مکرمت از افق عزّت طالع \* و لکن نفوس مشغوله و نقوش محدوده از این رحمت اصلیه و نعمت سرمدیه ممنوع بوده و بحجبات وهمیه و سبحات ظنیه محتجب و محروم خواهند بود \* معلوم آنجناب بوده که مقصود از آفرینش عرفان حقّ و لقای آن بوده و خواهد بود چنانچه در جمیع کتب الهیه و صحف متقنه ربّانیه من غیر حجاب این مطلب أحلی و مقصد اعلیٰ مذکور و واضحست و هر نفسی که بآن صبح هدایت و فجر احدیت فائز شد بمقام قرب و وصل که اصل جنت و اعلیٰ الجنان است فائز گردید و بمقام قاب قوسین که ورای سدره منتهی است وارد شد و الا در امکانه بعد که اصل نار و حقیقت نفی است ساکن بوده و خواهد بود اگر چه در ظاهر بر اکراس رفیعه و اعراش منیعه جالس باشد \* بلی آن سماء حقیقت قادر و مقتدر است که جمیع ناس را از شمال بعد و هوی بپین قرب و لقاء رساند \* لو شاء الله لیکون الناس أمة واحدة و لکن مقصود صعود انفس طیبه و جواهر مجرّده است که بفطرت اصلیه خود بشاطئ بحر أعظم وارد شوند تا طالبان جمال ذوالجلال از عاکفان امکانه ضلال و اضلال از یکدیگر مفصول و ممتاز شوند \* کذلک قدر الأمر من قلم عزّ منیر \* ان شاء الله امیدواریم که آنجناب خود را از صهبای رحمت الهی منع نفرمایند و نظر پاک را بأسباب فانیه نیالایند تا از سراب فانی بجزر باقی واصل شوند \* و همچنین سبب عدم ظهور مظاهر عدل و مطالع فضل بأسباب قدرت ظاهریّه و غلبه ملکیه



ORIGINAL

همین شئونات فصل و تمیز بوده چه اگر آن جوهر قَدَمِ علی ما کان علیه ظاهر شود و تجلّی فرماید احدی را مجال انکار و اعراض نماند بلکه جمیع موجودات از مشاهده انوار او منصعق بلکه فانی محض شوند \* دیگر در این مقام مُقْبِلِ إلی الله از مُعْرِضِ بالله منفصل نگردد چنانچه در جمیع مظاهر قبل این مطلب وضوح یافته و بسمع عالی رسیده اینست که مشرکین در هر ظهور بدیع و تجلّی منیع چون جمال لا یزال و طلعت بیمثال را در لباس ظاهر ملکیه مثل سایر ناس مشاهده مینمودند بدین جهت محتجب گشتند و غفلت نموده بآن سدره قرب تقرب نمیجستند بلکه در صدد دفع و قلع و قمع مقبلین إلی الله بر آمده چنانچه در این کور ملاحظه شد که این همج رعاع گجان نموده اند که بقتل و غارت و نفی احبای الهی از بلاد توانند سراج قدرت ربانی را بیفسرند و شمس صمدانی را از نور باز دارند غافل از اینکه جمیع این بلایا بمنزله دهن است برای اشتعال این مصباح \* کذلک یبْدِلُ اللهُ ما یشاء و انه علی کلّ شیء قَدیر \* چنانچه از هجرت این مهاجران باین سمت اشتها و علو این امر جمیع امکانه ارض را احاطه نموده چنانچه اهل این اطراف مطلع شده اند \* و این نصرت را سلطان احدیه بید خود اعلاء فرمود من دون انکه احدی مطلع شود و یا شاعر باشد \* اینست معنی آن شعر پارسی که میگوید \*

﴿ تو گرو بردی اگر جفت اگر طاق آید ﴾

در هر حال سلطنت و قدرت و غلبه سلطان حقیقی را ملاحظه فرما و گوش را از کلمات مظاهر نفی و مطالع قهر پاک و مقدّس فرمائید که عن قریب حق را محیط بر جمیع و غالب بر کل خواهید دید و دون آن را مفقود و لا شیء محض ملاحظه خواهید فرمود اگر چه بحمد الله حق و مظاهر او همیشه در علو ارتفاع و سمو امتناع خود بوده بلکه علو و سمو بقول او خلق شده لو اَنْتم ببصر هذا الغلام تنظرون و دیگر اینکه این عبد همیشه در ذکر آن دوست بوده و سبقت دوستی آنجناب از نظر نرفته و ان شاء الله نخواهد رفت بشرطها و شروطها و انا من شروطها و امیدواریم که این ذکر را نسیان مقطوع ننماید و این اثبات را محواز پی نیاید و امید از رب العزّة چنانست که در نهایت بعد صوری بمنتهی قرب معنوی فائز باشی چنانچه کلّ من علی الأرض میان آنجناب و حضرت مقصود حجاب نشود زیرا که دون این قرب و بعد مذکوره قرینی عند الله مذکور است که او را شهبی و ضدّی و مثلی در عالم ملکیه که امکانه حدود است متصور نه جهدی باید که بالطاف سلطان احدیه بآن مقام درائی تا از شجره بعد و اثمار و اوراق او بالمرّه پاک و مقدّس گردی و این قریبست که ببعد تبدیل نشود و بدوام الله باقی خواهد بود و الله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم